

آفرینش و تاریخ

مؤلفین: طالبزاده مستوفی

جلد اول: مائتوم

آفرینش و تاریخ

جلد اول: مائتوم



مقدمه، ترجمه و تعلیقات از
دکتر محمد رضا شمس‌الدینی

www.KetabFarsi.com

آفرینش و تاریخ

مطهر بن طاهر مقدسی

آفرینش و تاریخ

(مجلد اول تا سوم)

مقدمه، ترجمه و تعلیقات از
دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی



تهران، ۱۳۷۴

www.KetabFarsi.com

تو این را دروغ و فسانه مدان به یک سان، روشنِ زمانه مدان
ازو هرچه اندر خورد با خرد، دگر بر زه رمز معنی برد
فردوسی

یادآوری

بیش از هزار و پنجاه سال از عمر این کتاب می‌گذرد. سال تألیف آن سیصد و پنجاه و پنج هجری است، یادگاری است از درخشان‌ترین ادوار تاریخ تمدن ایران عصر اسلامی؛ دوره خردگرایی و اومانیسم، عصر فارابی و رازی و اخوان‌الصفاء. در میان آثار بازمانده از این روزگار، کتاب آفرینش و تاریخ، تقریباً حالتی منحصر به فرد دارد؛ دایرة‌المعارفی است از فلسفه، تاریخ، اسطوره‌شناسی تطبیقی، دین‌شناسی، جهان‌شناسی، جغرافیا و رستاخیزشناسی (Eschatology)، و در تمام این زمینه‌ها، گاه، اطلاعاتی عرضه می‌دارد که در هیچ کتاب دیگری نمی‌توان یافت. درحقیقت تصویری است جامع از تلقی مردمان باستان و سه قرن اول عصر اسلامی نسبت به جهان، از آغاز آفرینش تا پایان آن. و از این چشم‌انداز بخشهایی از این کتاب، برای ما، همان ارزشی را دارد که مسخ کابینات (Metamorphoses)، اثر اُوید (Ovid)، برای جهان غرب و یونان باستان.

مؤلف را اگر نتوانیم حکیمی از طراز فارابی و رازی بدانیم، بی‌گمان، در «حکمت‌دانی» او نیز نمی‌توانیم تردید کنیم. هرچه هست مردی است جوینده و بر مجموعه‌های دانشهای عصر خویش، از فلسفه و کلام و نجوم و تاریخ گرفته تا جغرافیا و ادب عرب و تاریخ مذاهب و ادیان و علم اساطیر و نشوریات، یعنی رستاخیزشناسی، مسلط و علاوه بر زبان عربی، آگاه از چندین زبان دیگر، از جمله سریانی و عبری و فارسی.

وی بسیاری از مواج کار خود را از دیدار با ارباب مذاهب عصر خویش به دست آورده است. برای نمونه: از دیدار با موبد زردشتیان در آتشگاهی کهن در جور (فیر و زآباد فارس) که کتاب اَبسطا (اوستا)



مطوّرین طاهر مقدسی
آفرینش و تاریخ
(مجلد اول تا سوم)

مقدمه، ترجمه و تعلیقات از
دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

چاپ اول بهار ۱۳۷۴، آماده‌سازی کتاب کارگاه نقش

حروفچینی تهران نوشتار و نشر آگه، لیتوگرافی کوه‌رنگ، چاپ نیل، صحافی کادوس
تعداد: ۳۳۰۰ دوره

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است

شابک ۰۰۰۲ ۹۳۶۴۱۶ (دوره ۲ جلدی) ISBN 946 416 000 2 (2 vol. set)

را آورده و عباراتی از آن را بر مؤلف قرائت کرده است و مؤلف عین آن عبارات را، به همان صورت باستانی، در متن کتاب خویش گنجانیده است، تا بحث با مردی یهودی در باب تفسیر آیه‌ای از تورات، در بصره، تا نوع اطلاعاتی که در باب خرم‌دینان، از دیدار با ایشان در ناحیه ماسبذان و مهرجان قذق (در لرستان) به امانت نقل کرده است، تا محاجه او با یکی از بهافریدیّه در باب دفن مُردگان در زمین.

به لحاظ اسناد مکتوب نیز، آنگاه که مدارک خویش را نام می‌برد، از کتابهایی یاد می‌کند که بسیاری از آنها، قرن‌هاست که از میان رفته؛ مانند *خدای نامک* و *سیر العجم* و *تاریخ خورزاد* و *التقص علی الباطنیة ابن رزّام* و کتاب *وصف مذاهب الصابئین* تألیف احمد بن طیب سرخسی و کتاب *القرانات* ابن عبدالله قسری و *اوائل الادلّه ابوالقاسم بلخی* و کتاب *الخرمیه*.

در مقدمه مفصلی که درباره مؤلف و ارزشهای گوناگون این کتاب نوشته‌ام، و پس از این یادداشت خواهد آمد، به جوانب مختلف این کتاب پرداخته شده است و در بخش ساختار کتاب، مروری انتقادی بر تمام فصول کتاب می‌توان یافت.*

ترجمه بخشهای تاریخی و جغرافیایی این کتاب را در حدود بیست سال پیش از این، در سالهای ۱۳۴۹-۱۳۵۲ منتشر کردم (انتشارات بنیاد فرهنگ ایران)، و بخشهای فلسفی و جهان‌شناسی و اساطیری آن، که اهمیت بیشتری دارد، همچنان باقی ماند، با اینکه در همان زمان ترجمه‌اش پایان یافته بود. علت تأخیر علاوه بر سفر خارج، این بود که چشم انتظار دست یافتن به نسخه‌ای درست‌تر از متن عربی کتاب بودم، که متأسفانه حاصل نشد. ناگزیر به آنچه بود رضایت دادم و از اصلاح چند مورد افتادگی در عبارات کتاب چشم پوشیدم.

اکنون که متن کامل کتاب در دسترس دوستان آن قرار می‌گیرد، از تأخیری که رفته است عذرهای خواهم و از دانشمندی که با دقتها و ملاحظات عالمانه خویش، لغزشهای مترجم را - که رنج او در تصحیح متن عربی کتاب بسی بیشتر از زحمت ترجمه آن به فارسی بوده است - یادآوری خواهند کرد، پیشاپیش سپاسگزاری می‌کنم.

شاید یادآوری این نکته نیز ضرورت داشته باشد که تعلیقات کتاب، همه، از آن مترجم فارسی است. *والحمد لله اولاً و آخراً*.

تهران، دی ماه ۱۳۶۹ شفیعی کدکنی

فهرست تفصیلی

* این بخش از مقدمه را برای نشر در نشریه‌ای، و به خواش دوستی، نوشته بودم که در آن زمان فرصت انتشار نیافت. اکنون بی‌فایده ندیدم که عیناً، در آغاز کتاب، نقل شود. کمترین فایده آن آشنایی اجمالی خوانندگان است با طرح کلی کتاب و بعضی مزایای آن.

فهرست تفصیلی

۷	یادآوری
۳۵	درباره مؤلف
۳۷	مؤلف کیست؟
۳۸	نام و نشان مؤلف
۳۹	سال تولد
۳۹	محل تولد و نیاکان او
۴۰	تحصیلات و آموخته‌های او
۴۰	استادان و مشایخ او:
	۱- ابوالعباس ساری (۴۱)، ۲- احمد بن محمد بن حجاج سجزی (۴۱)، ۳- خیمه بن سلیمان طرابلسی (۴۱)، ۴- عبدالرحمن بن احمد مروزی (۴۲)، ۵- حسن بن هشام (۴۲)، ۶- حاتم بن سندی (۴۲)، ۷- محمد بن سهل (۴۲)، ۸- ابوجعفر رازی (۴۲)، ۹- محمد بن خالویه (۴۳)، ۱۰- هارون بن کامل (۴۳)، ۱۱- ابونصر حرشی (۴۳)، ۱۲- احمد بن مالک (۴۳)، ۱۳- ابو عبدالله اندلسی (۴۴)، ۱۴- ابوطالب اخمیی (۴۴).
۴۴	سفرهای مؤلف:
	۱- در بست و سیستان (۴۴)، ۲- در مرز (۴۵)، ۳- در سیرجان (۴۵)، ۴- در مهران قفق و ماسبدان (۴۵)، ۵- در خوزستان (۴۶)، ۶- در فارس (۴۶)، ۷- در چندیشاپور (۴۶)، ۸- در مکه (۴۶).

۹- در عراق (۴۶)، ۱۰- در شام (۴۷)، ۱۱- در بیت اللحم (۴۷)، ۱۲- در مصر (۴۷).

آثار او:

۴۸
۱- کتاب المعانی (۴۸)، ۲- کتاب العلم و التعليم (۴۸)، ۳- کتاب الدیانة والامانة (۴۸)، ۴- کتاب المعنیه (۴۹)، ۵- کتاب النفس والروح (۴۹)، ۶- کتابی در نجوم (۴۹).

شیوه تفکر مؤلف:

۵۰
۵۳ آیا مؤلف شیعه یا معتزلی است؟
۵۵ با ارباب دیانات و شرایع دیگر
۵۵ تقدم نامه کتاب

ساختار کتاب و نوع موضوعات آن

ارزشهای کتاب:

۹۸ (۱) از دید تاریخ فلسفه در ایران و اسلام
۹۸ (۲) از دید اسطوره‌شناسی
۹۹ (۳) از دید دین‌شناسی
۹۹ (۴) از دید جغرافیا
۱۰۰ (۵) از دید تاریخ نگاری
۱۰۰ (۶) از دید تاریخ تصوف
۱۰۱ (۷) از دید تاریخ ادبیات

منابع کتاب:

۱۰۲ (۱) منابع ایرانی
۱۰۴ (۲) منابع یونانی
۱۰۶ (۳) متون عبری
۱۰۷ (۴) منابع عبری

آفرینش و تاریخ در منقولات قُدماء:

۱۱۲ (۱) در متون فارسی
۱۱۴ (۲) در متون عبری
۱۱۷ نسخه‌های کتاب البدء والتاریخ
۱۱۹ درباره این ترجمه

*

۱۲۳	مقدمه
۱۳۵-(۱۳۷)	فصل نخست: در تثبیت نظر و مهذب ساختن جدل
۱۳۹	سخن در کمیت دانشها و مراتب هر کدام
۱۴۱	سخن درباره عقل و معقول
۱۴۳	سخن درباره حس و محسوس
۱۴۴	سخن درباره درجات معلومات
	سخن در حد و دلیل و معارضه و قیاس و اجتهاد و
۱۴۵	نظر و جز اینها
۱۴۹	سخن در فرق میان دلیل و علت
۱۴۹	سخن در دلیل
۱۵۰	سخن در حدود
۱۵۵	سخن در اضداد
۱۵۵	سخن در حدود اعراض
۱۵۷	گفتار در برابر اهل عناد و آنها که نظرا باطل می‌دانند
۱۵۹	سخن در مراتب نظر و حدود آن
۱۵۹	سخن در نشانه‌های انقطاع
	فصل دوم: در اثبات آفریدگار و یکتایی آفریننده با دلایل برهانی و
۱۶۳-(۱۶۵)	حجت‌های ناگزیرکننده
	سخن در پاسخ آن کس که گوید: خدا کیست و
۱۷۸	چیست و چگونه است؟
۱۸۳	سخن در اینکه باری تعالی یکی است و بس
۱۸۷	سخن در ابطال تشبیه
	فصل سوم: در صفات باری تعالی و اسماء او و اینکه اعتقاد درباره
۱۸۹-(۱۹۱)	قول و فعل او چگونه باید باشد
۱۹۴	سخن در اسامی

- فصل چهارم: در تثبیت رسالت و ایجاب نبوت (۲۰۳) - ۲۰۱
- سخن در کیفیت وحی و رسالت ۲۰۵
- فصل پنجم: در یادکرد آغاز آفرینش (۲۰۹) - ۲۰۷
- سخن در آغاز آفرینش ۲۲۲
- در یادکرد آنچه از اهل اسلام در این باب نقل شده است ۲۲۶
- در یادکرد مقالات ثنویه و حرّانیه ۲۲۷
- در یادکرد مقالات اهل کتاب در این باب ۲۲۹
- در یادکرد گفتار اهل اسلام در مبادی آفرینش و روایاتی که در این باب آمده است ۲۳۰
- در یادکرد درست‌ترین مذاهب در این باب ۲۳۴
- در یادکرد آنچه از زندگان در عالم علوی نخست آفریده شده‌اند ۲۳۶
- فصل ششم: در یادکرد لوح و قلم و عرش و کرسی و فرشتگان و صور و صراط و میزان و حوض و اعراف و ثواب و عقاب و حجابها و سدره المنتهی و دیگر چیزهایی که موحدان روایت کرده‌اند و از امور آخرت است و اختلافاتی که در این باب هست (۲۴۳) - ۲۴۱
- در یادکرد لوح و قلم ۲۴۳
- در یادکرد عرش و کرسی و حاملان عرش ۲۴۵
- اما کرسی ۲۴۷
- اما فرشتگان حامل عرش ۲۴۷
- در یادکرد فرشتگان و آنچه در صفات ایشان گفته‌اند ۲۴۸
- در یادکرد اختلاف مردمان در باب فرشتگان که چیستند ۲۵۰
- در یادکرد صفات فرشتگان ۲۵۱
- سخن در باب فرشتگان که آیا مکلف‌اند یا مجبور و اینکه آیا آنان برترند یا صالحین از مسلمانان ۲۵۴

- در یادکرد آنچه درباره حجابها آمده است ۲۵۶
- در یادکرد آنچه درباره سدره المنتهی آمده است ۲۵۷
- در یادکرد بهشت و دوزخ ۲۵۸
- در یادکرد اختلاف مردمان درباره بهشت و دوزخ ۲۵۹
- در یادکرد اختلاف مسلمانان درباره بهشت و دوزخ ۲۶۱
- در یادکرد توصیف بهشت و دوزخ ۲۶۲
- در یادکرد صفت دوزخ و اهل آن ۲۶۵
- در یادکرد اختلاف مردمان درباره بقا و فنا و بهشت و دوزخ ۲۶۷
- در یادکرد اختلاف مردمان در این فصل ۲۶۹
- صراط ۲۷۱
- میزان ۲۷۲
- اعراف ۲۷۳
- صور ۲۷۴
- حوض ۲۷۴
- فصل هفتم: در آفرینش آسمان و زمین و آنچه در آن است (۲۷۷) - ۲۷۵
- وصف آسمانها ۲۸۰
- در توصیف فلک ۲۸۱
- در توصیف مافوق فلک ۲۸۲
- توصیف افلاک و آسمانها، آن گونه که در خبر آمده است ۲۸۲
- توصیف کواکب و نجوم ۲۸۴
- در یادکرد صورت شمس و قمر و نجوم و آنچه در آنهاست ۲۸۶
- در یادکرد طلوع خورشید و ماه و خسوف و کسوف آن دو و فروپاشی ستارگان و جز اینها که در آسمان روی می‌دهد ۲۸۹
- در یادکرد بادها و ابرها و نمها و رعد و برق و جز اینها که در جو عارض می‌شود ۲۹۳
- در یادکرد شب و روز نزد پیشینگان ۲۹۸
- توصیف زمین و آنچه در آن است ۳۰۰
- در یادکرد مدتی که پیش از آفرینش خلق بوده است ۳۰۹
- در یادکرد مدت دنیا و اختلاف مردم در این باره ۳۱۰
- در یادکرد دنیا و اینکه چیست؟ ۳۱۱

- ۳۱۲ در یادکرد خلقی که پیش از آدم بوده اند
- ۳۱۴ در یادکرد آفرینش پریان و شیاطین
- ۳۱۶ در یادکرد آنچه درباره شمار عوالم گفته اند و جز خدای هیچ کس آن را نمی داند
- فصل هشتم: در ظهور آدم و پراکنده شدن فرزندان او (۳۱۹) - ۳۱۷
- در یادکرد اختلاف فلاسفه در تولد جانوران و اینکه پیدایش (کون) آن چگونه بوده است
- ۳۱۹ در یادکرد آفرینش آدم
- ۳۲۴ در یادکرد اختلاف ایشان در آفرینش آدم
- ۳۲۵ در یادکرد سخنان ایشان که چگونه روح در آدم مید
- ۳۲۷ در یادکرد سجده فرشتگان از برای آدم
- ۳۲۷ در یادکرد سخن خدای تعالی که «و در آموخت آدم را نامها، همه پس عرضه کرد آن چیزها را بر فرشتگان»
- ۳۳۰ در یادکرد آمدن آدم به بهشت و بیرون رفتن او از آنجا
- ۳۳۱ در یادکرد گرفتن فرزندان از پشت آدم
- ۳۳۲ در یادکرد اختلاف مردمان درباره آدم و فرزندان او
- ۳۳۳ در یادکرد صورت آدم و خیر وفات او
- ۳۳۴ در یادکرد روح و نفس و حیات و مرگ
- ۳۳۵ در یادکرد آنچه در اخبار در این باره آمده است
- ۳۳۶ در یادکرد آنچه در قرآن و حدیث دلالت بر احوال ارواح دارد
- ۳۴۰ در یادکرد سخن اهل زبان درباره روح و نفس و حیات
- ۳۴۲ در یادکرد آنچه از اهل کتاب، درباره ارواح آمده است
- ۳۴۴ در یادکرد مقالات دیگر ائمتها درباره تن و جان
- ۳۴۵ در یادکرد اختلاف نظار اهل اسلام درباره نفس و روح
- ۳۴۷ مناظره نظام و هشام بن الحکم
- ۳۴۸ مناظره دوم
- ۳۵۰ مناظره سوم
- ۳۵۰ مناظره چهارم
- ۳۵۱ در یادکرد آراء فلاسفه در نفس و روح
- ۳۵۲

- ۳۵۳ در یادکرد درست ترین وجوه درباره نفس
- ۳۵۴ در یادکرد سخن ایشان در حواس

فصل نهم: در یادکرد فتنه ها و کواپن و قیام قیامت و سپری گشتن جهان... و وجوب رستاخیز (۳۵۹) - ۳۵۷

- ۳۶۴ در یادکرد کسانی از پیشینگان که قایل به فناى عالم بوده اند
- ۳۶۶ در یادکرد سخن اهل کتاب در این باره
- ۳۶۷ در یادکرد آنچه درباره مدت دنیا آمده است که چه مقدار از آن گذشته و چه مقدار آن باقی است
- ۳۷۰ در یادکرد تاریخ از روزگار آدم تا روزگار ما، آن گونه که در کتابهای اهل اخبار آن را یافته ایم
- ۳۷۰ در یادکرد آنچه از عالم باقی است و اینکه مدت امت محمد چه مقدار است، بنا بر آنچه اهل اخبار روایت کرده اند
- ۳۷۲ در یادکرد آنچه از اشراف قیامت و نشانه های آن آمده است
- ۳۷۴ در یادکرد فتنه ها و کواپن در آخر الزمان
- ۳۷۶ در یادکرد خروج ترک
- ۳۷۹ در یادکرد هده ای که در رمضان خواهد بود
- ۳۸۰ در یادکرد آن هاشمی که با درفشهای سیاه از خراسان خروج کند
- ۳۸۰ در یادکرد خروج سفیانی
- ۳۸۱ در یادکرد خروج مهدی
- ۳۸۳ در یادکرد خروج فحطانی
- ۳۸۴ در یادکرد گشودن قسطنطنیه
- ۳۸۵ در یادکرد خروج دجال
- ۳۸۵ فرود آمدن عیسی
- ۳۸۶ بقیه داستان دجال
- ۳۸۷ بقیه خبر عیسی
- ۳۸۸ طلوع خورشید از مغرب
- ۳۸۹ خروج دابة الارض
- ۳۹۰ در یادکرد دخان
- ۳۹۲ خروج یاجوج و ماجوج
- ۳۹۲

۳۹۴	خروج حبشه
۳۹۴	در یادکرد گم شدن مکه
۳۹۵	در یادکرد بادی که روح اهل ایمان را قبض می‌کند
۳۹۵	در یادکرد ارتفاع قرآن
	در یادکرد آتشی که از ژرفای عدن برآید و مردمان را
۳۹۵	به رستاخیز کشاند
۳۹۶	در یادکرد نفخات صور
۳۹۶	نفخه نخستین
۳۹۶	در یادکرد آنچه درباره صور آمده است
۳۹۸	در یادکرد نفخه دوم که نفخه صور است
۳۹۹	در یادکرد آنچه میان دو نفخه است
	در یادکرد اختلاف ایشان در سخن خدای که «اوست
۳۹۹	که همیشه بود و همیشه باشد»
۴۰۰	در یادکرد بارانی که پیکر مردگان را برویاند
۴۰۰	در یادکرد نفخه سوم
۴۰۱	در یادکرد انگیزش خلق
۴۰۲	در یادکرد اختلاف ایشان در چگونگی انگیزش
۴۰۳	در یادکرد موقف
۴۰۳	در یادکرد تبدیل زمین
۴۰۴	در یادکرد در نور دیده شدن آسمان
۴۰۵	در یادکرد روز رستاخیز
	در یادکرد آنچه از پیشینگان درباره ویرانی جهان
۴۰۶	حکایت شده است

فصل دهم: در یادکرد پیامبران و مدت عمر ایشان و سرگذشت
امتهای ایشان و اخبارشان، در نهایت اختصار
و ایجاز (۴۱۳) - ۴۱۱

۴۱۴	در یادکرد شماره کتابهایی که نازل شده
۴۱۴	در شمار همگی انبیا
۴۱۶	در یادکرد آرای مجوس و دیگر ملل درباره پیامبران
۴۱۸	داستان آدم

۴۱۸	داستان شیث
۴۱۹	داستان ادریس پیامبر
۴۲۰	داستان هاروت و ماروت
۴۲۱	داستان نوح پیامبر
۴۲۷	داستان آنها که پس از نوح بودند تا روزگار عاد
۴۳۰	داستان عاد نخستین و ایشان ده قبیله بوده‌اند
۴۳۳	داستان عاد اُخری (دیگر)
۴۳۳	داستان ثمود
۴۳۶	یادکرد اختلاف مردم در این داستان
۴۳۸	داستان ابراهیم
۴۴۲	در یادکرد اختلاف مردم در این داستان
۴۴۴	داستان لوط بن هاران بن آزر
۴۴۵	در یادکرد اختلاف مردم در این داستان
۴۴۶	داستان اسماعیل
۴۴۷	در یادکرد اختلاف مردم در این داستان
۴۴۷	داستان اسحاق
۴۴۸	در یادکرد ذبیح
۴۴۹	داستان یعقوب
۴۵۰	داستان یوسف پسر یعقوب
۴۵۱	در یادکرد اختلاف ایشان در این داستان
۴۵۳	داستان ایوب
۴۵۴	یادکرد اختلاف مردم در این قصه
۴۵۵	داستان شعیب
۴۵۶	اختلاف مردم در این داستان
۴۵۶	داستان موسی و خضر
۴۵۷	داستان ذوالقرنین
۴۵۸	داستان موسی و هارون دو پسر عمران
۴۶۰	یادکرد زاده شدن موسی
۴۶۲	در یادکرد قارون
۴۶۲	داستان تیه
۴۶۶	داستان معبدی که موسی بنا کرد
	در یادکرد معجزات موسی و شگفتیهای بنی اسرائیل و

۴۶۶	آنچه مورد اختلاف است و آنچه مورد اتفاق
۴۶۸	قصه یوشع بن نون
۴۶۸	داستان کالب بن یوفنا
۴۶۹	داستان حزقیل
۴۶۹	داستان شمویل بن هلقانا
۴۶۹	داستان الیاس
۴۷۰	یادکرد اختلاف ایشان در این داستان
۴۷۰	یادکرد الیسع بن اخطوب
۴۷۱	داستان داود
۴۷۲	یادکرد اختلاف ایشان در این داستان
۴۷۲	داستان لقمان حکیم
۴۷۲	داستان سلیمان بن داود
۴۷۶	داستان بلقیس
۴۷۶	یادکرد اختلاف مردم در این قصه و قصه سلیمان
۴۷۷	داستان یونس بن متی
۴۷۸	داستان اختلاف مردم در این قصه
۴۷۹	داستان شعیان بن اموص پیامبر و پادشاهی که دوست او بود
۴۷۹	داستان ارمیای پیامبر
۴۸۰	داستان دانیال بزرگ
۴۸۰	داستان عزیز بن سروحا
۴۸۱	داستان زکریا بن آزن و یحیی بن زکریا و عمران بن ماثان
۴۸۱	داستان یحیی
۴۸۲	یادکرد اختلاف ایشان در این قصه
۴۸۲	داستان مریم دختر عمران
۴۸۳	داستان زادن عیسی
۴۸۵	یادکرد اختلاف مردم در این داستان
۴۸۶	داستان عیسی بن مریم
	یادکرد اختلاف مردم در این داستان و یادکرد اختلاف
۴۸۸	در مدت فترت میان عیسی و محمد
۴۸۸	داستان اصحاب کهف
۴۸۹	داستان فطروس کافر
۴۸۹	یادکرد اختلاف ایشان در داستان اصحاب کهف

۴۹۰	داستان حبیب نجار
۴۹۰	یادکرد اختلاف ایشان در این داستان
۴۹۱	داستان اصحابِ ضروان
۴۹۱	داستان سبا
۴۹۲	یادکرد اختلافات ایشان در این داستان
۴۹۲	داستان حنظله راستگو
۴۹۳	داستان جرجیس
۴۹۳	داستان خالد بن سنان عیسی
۴۹۴	داستان جریج عابد
۴۹۴	وصف شل زمینگیر و مجذوم و کور
۴۹۵	داستان شمسون

فصل یازدهم: در یادکرد شاهان عرب و عجم و کارها و پیکارهای

مشهور ایشان تا بعثت پیغمبر ما (۴۹۷) - ۴۹۹

۵۰۳	افریدون
۵۰۴	منوچهر
۵۰۴	افراسیاب
	داستان رستم که چگونه کیکاوس را از بند حمیر
۵۰۵	رهای بی بخشید
۵۰۶	کیخسرو
۵۰۶	گشتاسب
۵۰۷	بهمن
۵۰۷	داستان همای و دارا
۵۰۸	و این است داستان دارا و اسکندر
۵۱۰	در یادکرد ملوک الطوائف که اشکانیان نام دارند
۵۱۱	اردشیر
۵۱۱	شاپور
۵۱۲	هرمز
۵۱۲	بهرام
۵۱۳	بهرام بن بهرام
۵۱۳	شاپور ذوالاكتاف

۵۱۵	بزدگرد بزهکار
۵۱۵	بهرام گور
۵۱۸	قباد و مزدك
۵۱۹	هرمز
۵۲۱	شیرویه
۵۲۲	سرگذشت پادشاهان عرب
۵۲۸	داستان اصحاب اخدود
۵۳۰	داستان اصحاب فیل
۵۳۶	پادشاهان حیره و شام
۵۳۷	و این است داستان جذیمة الابرش
۵۴۱	و این است داستان پادشاه معصوب در روزگار قباد
۵۴۲	و این است داستان عمرو بن هند
۵۴۳	و این است داستان ابوقابوس نعمان بن منذر
۵۴۷	و اما پادشاهان روم

فصل دوازدهم: در یادکرد ادیان مردم روی زمین و نحله‌ها و مذاهب هرکدام از اهل کتاب و جز ایشان (۵۵۷-۵۵۹)

۵۶۰	یادکرد مُعَطَّلَه
۵۶۳	یادکرد ادیان بُرَاهِمَه
۵۶۵	یادکرد ملل و اهوای ایشان
۵۶۶	یادکرد آتش زدن پیکرها و رها کردن آنها در آتش
۵۶۸	در یادکرد اهل چین
۵۷۰	در یادکرد آنچه از ادیان ترك حکایت شده
۵۷۰	در یادکرد ادیان حرّانیان
۵۷۱	در یادکرد ادیان ثنویه [دوگانه پرستان]
۵۷۲	در یادکرد بت پرستان
۵۷۳	در یادکرد مذاهب مجوس و شرایع ایشان
۵۷۵	در یادکرد مذاهب خُرْمِیَه
۵۷۶	در یادکرد شرایع اهل جاهلیت
۵۷۸	در یادکرد شرایع یهود
۵۷۹	در یادکرد احکام ایشان

۵۸۲	در یادکرد شرایع نصاری
۵۸۵	در یادکرد احکام ایشان

فصل سیزدهم: در چگونگی زمین و حدود آبادیها و شمار اقالیم آن و چگونگی دریاها و رودخانه‌ها و شگفتیهای زمین و آفرینش (۵۸۷-۵۸۹)

۵۹۱	در یادکرد دریاها و وادیها و رودخانه‌های معروف
۵۹۲	در یادکرد رودخانه‌های معروف
۵۹۴	در یادکرد کشورهای معروف
۶۰۶	در یادکرد مسجدها و بقعه‌های فاضله و ثغرها
۶۱۰	راه از عراق به مکه، که در زینهار باد
۶۱۱	در یادکرد ثغرها و رباطات
۶۱۲	در یادکرد آنچه از شگفتیهای زمین و مردم آن آمده است
۶۱۴	اصناف شگفت مردمان
	در یادکرد شهرها و دهکده‌ها و بنیادگذاران آنها
۶۱۵	به همان گونه که به ما رسیده است
۶۱۸	یادکرد آنچه درباره ویرانی شهرها آمده است

فصل چهاردهم: در یادکرد انساب عرب و جنگهای مشهور ایشان به اختصار و ایجاز ... (۶۲۳-۶۲۱)

۶۲۷	داستان عبدالمطلب
۶۲۸	داستان حفر چاه زمزم
۶۲۹	داستان عبدالمطلب و ذبیح فرزندش عبدالله پدر پیغمبر
۶۳۰	نسبت اهل یمن
۶۳۴	در یادکرد قیس بن عیلان بن مضر بن نزار بن معد
۶۳۵	در یادکرد ربیعہ
۶۳۵	در یادکرد سالاران مکه
۶۳۹	یادکرد رؤسای مدینه و روی آوردن قُرَیظَه و نَضِیر به سوی آن

فصل پانزدهم: در یادکرد مولد پیغمبر و منشأ وی و بعثت او تا

هجرت

۶۴۳-(۶۴۱)

- ۶۴۳ در یادکرد زادن پیغمبر
 ۶۴۶ بیرون رفتن پیغمبر به شام با سرمایه خدیجه
 ۶۴۷ ازدواج با خدیجه
 ۶۴۸ در یادکرد بنای کعبه
 ۶۴۸ در یادکرد مبعث و فرود آمدن وحی
 ۶۵۰ در هم پاشیدن ستاره‌ها
 ۶۵۱ در یادکرد فترت وحی
 ۶۵۱ در اختلاف اینکه نخستین کسی که اسلام آورده کیست
 ۶۵۲ در یادکرد اظهار دعوت به اسلام
 ۶۵۴ در یادکرد هجرت نخستین به حبشه
 ۶۵۴ در یادکرد هجرت دوم به سرزمین حبشه
 ۶۵۶ در یادکرد حصار
 ۶۵۷ در یادکرد خروج ایشان از شعب
 ۶۵۸ بیرون شدن پیغمبر به طائف
 ۶۵۸ داستان جنیان نخستین
 ۶۵۹ داستان جنیان دوم
 ۶۶۰ داستان روم
 ۶۶۰ در یادکرد مسری و معراج
 ۶۶۲ داستان مسری
 ۶۶۴ در یادکرد مقدمات هجرت و نخستین کسی که هجرت کرد
 ۶۶۶ در یادکرد دارُ النُّوَّة
 ۶۶۷ در یادکرد لیلۃ الدَّار
 ۶۶۸ داستان غار
 ۶۶۸ ذکر خروج سراقه در دنبال ایشان
 ۶۶۹ در یادکرد بیرون شدن پیغمبر با ابو بکر از غار به طرف مدینه
 ۶۶۹ در یادکرد اختلاف مردم در این فصل

فصل شانزدهم: در وارد شدن پیغمبر [به مدینه] و سرّیه‌ها و غزوه‌های او

۶۷۳-(۶۷۵)

تا هنگام وفات

- ۶۸۰ داستان بدر
 ۶۸۷ غزوهٔ یهود بنی قینقاع در شوال
 ۶۸۷ در یادکرد غزوهٔ سویق در ذی الحجه
 ۶۸۸ یادکرد کشته شدن کعب بن اشرف
 ۶۸۹ داستان احد
 ۶۹۶ داستان رجیع که در سرزمین هُدَیْل روی داد
 ۶۹۷ داستان بثر معونه
 ۶۹۷ یادکرد غزوهٔ بنی النضیر
 ۶۹۸ سپس غزوهٔ ذات الرقاع بود
 ۶۹۸ سپس غزوهٔ بدرالمیعاد بود
 ۶۹۹ سپس غزوهٔ بنی المصطلق بود
 ۷۰۰ سپس غزوهٔ خندق بود در ذی القعدة
 ۷۰۸ داستان مؤته
 ۷۱۰ فتح مکه در ماه رمضان
 ۷۱۲ یادکرد غزوهٔ حنین
 ۷۱۴ یادکرد غزوهٔ تبوک
 سرّیهٔ خالد بن ولید از تبوک به سوی اُکبیر صاحب
 ۷۱۴ دَوْمَة الجندل

فصل هفدهم:

در چگونگی شمایل پیامبر خدا و خوی و سیرت و خصایص و
 آیینهای او و مدت عمرش و یادکرد همسران و فرزندان و
 خویشان او و خبر وفات او، به اختصار... (۷۱۹-۷۱۷)

- ۷۱۹ در یادکرد خُلقت و خوی پیامبر خدا
 ۷۲۱ در یادکرد پدران پیامبر
 ۷۲۱ در یادکرد مادران پیامبر خدا
 ۷۲۱ جدّه‌های پیامبر از سوی پدرش
 ۷۲۲ جدّه‌های پیامبر از سوی مادرش
 ۷۲۲ در یادکرد عموهای پیامبر
 ۷۲۳ در یادکرد پسرعموهای او
 ۷۲۳ در یادکرد عمّه‌های پیامبر
 ۷۲۴ در یادکرد دایه‌های پیامبر

۷۲۴	در یادکرد همسران او
۷۲۵	خدیدجه
۷۲۶	سوده
۷۲۶	عایشه
۷۲۷	حفصه
۷۲۷	زینب دختر خزیمه بن صعصعه
۷۲۷	زینب دختر جحش
۷۲۸	ام حبیبه دختر ابوسفیان بن حرب
۷۲۸	ام سلمه
۷۲۸	میمونه دختر حارث
۷۲۹	صفیه دختر حیی بن اخطب
۷۲۹	جویریة
۷۲۹	آن زنی که خویش را به پیامبر هیه کرد
۷۳۰	در یادکرد فرزندان پیامبر
۷۳۱	رقیه دختر پیامبر
۷۳۱	زینب دختر پیامبر
۷۳۳	فاطمه
۷۳۳	نوادگان پیامبر
۷۳۳	در یادکرد بندگان او
۷۳۴	زیدبن حارثه
۷۳۵	ابو رافع
۷۳۵	سفینه
۷۳۵	شقران
۷۳۵	ثوبان
۷۳۵	یسار
۷۳۶	ابو کبشه
۷۳۶	مدعم
۷۳۶	ابوضمیره
۷۳۶	ابو مویهبه
۷۳۶	وهبه و فضاله
۷۳۶	انجشه
۷۳۷	در یادکرد ستوران او

۷۳۷	در یادکرد معجزات او
۷۳۹	یادکرد او در تورات
۷۳۹	یادکرد او چندین جای در انجیل
۷۴۷	در یادکرد خبردادهای او از غیب
۷۴۹	در یادکرد دعاهاى مستجاب او
۷۵۰	دلایل نبوت او از قرآن
۷۵۱	در یادکرد شرایع او
۷۵۱	درباره اینکه پیامبر پیش از فرود آمدن وحی، پروردگارش را پرستش می کرد
۷۵۱	طهارت
۷۵۳	نماز
۷۵۵	زکات
۷۵۵	روزه
۷۵۶	حج
۷۵۷	زناشویی و طلاق و میراث
۷۵۷	آدینه و عیدها
۷۵۷	سنتهای دهگانه
۷۵۸	در یادکرد بیماری پیامبر
۷۶۲	یادکرد وفات پیامبر
۷۶۴	در یادکرد بیعت ابوبکر
۷۶۵	در یادکرد غسل پیامبر خدا

فصل هژدهم: در یادکرد افاضل یاران پیامبر و اولی الامر از مهاجرین و

انصار و گزارش شمایل ایشان و مدت زندگانی هر کدام و

آغاز اسلام و یادکرد فرزندان ایشان و آنها که کسی از ایشان

بازمانده و آنها که کسی از ایشان نمانده... (۷۷۱) - ۷۶۹

۷۷۲	علی بن ابی طالب
۷۷۳	در یادکرد فرزندان او
۷۷۴	حسن بن علی
۷۷۴	حسین بن علی
۷۷۴	محمدبن علی بن ابی طالب رضوان الله علیهما

۷۷۵	دختران علی بن ابی طالب
۷۷۵	ابو بکر صدیق
۷۷۶	پدر ابوبکر و مادرش و خواهرانش
۷۷۶	اسلام ابوبکر
۷۷۶	در یادکرد فرزندان او
۷۷۷	دختران ابوبکر
۷۷۷	مرگ ابوبکر
۷۷۷	عثمان بن عفان
۷۷۸	پدر عثمان و مادر و خواهرانش
۷۷۸	اسلام عثمان
۷۷۸	در یادکرد فرزندان عثمان
۷۷۹	کشته شدن عثمان
۷۷۹	طلحه
۷۸۰	اسلام طلحه
۷۸۰	سن طلحه و شمایل او
۷۸۰	در یادکرد فرزندان او
۷۸۱	زبیر بن عوام
۷۸۱	اسلام زبیر
۷۸۱	شمایل زبیر
۷۸۱	فرزندان او
۷۸۲	سعد بن ابی وقاص
۷۸۲	اسلام سعد
۷۸۳	شمایل سعد و سن او
۷۸۳	یادکرد فرزندان او
۷۸۳	سعید بن زید
۷۸۳	عبدالرحمن بن عوف
۷۸۴	شمایل عبدالرحمن
۷۸۴	یادکرد فرزندان او
۷۸۴	ابوعبیده جراح
۷۸۵	شمایل او
۷۸۵	در یادکرد عمر بن الخطاب
۷۸۵	اسلام عمر

۷۸۷	شمایل عمر و سن او
۷۸۷	در یادکرد فرزندان او
۷۸۸	عمرو بن غبسه
۷۸۹	ابوذر غفاری
۷۹۰	خالد بن سعید بن عاص بن أمیه
۷۹۰	ابوسلمة بن عبدالاسد
۷۹۰	مصعب بن عمیر بن هاشم بن عبد مناف
۷۹۱	عبدالله بن مسعود
۷۹۱	پیشگامان در اسلام
۷۹۲	حمزة بن عبدالمطلب
۷۹۲	جعفر بن ابی طالب ذوالجناحین
۷۹۳	مقداد بن اسود
۷۹۳	عمار بن یاسر
۷۹۳	اما صهیب
۷۹۴	خباب بن ارت
۷۹۴	ارقم بن ارقم مخزومی
۷۹۴	بلال بن رباح
۷۹۴	ابوموسی اشعری
۷۹۵	علاء بن الحضرمی
۷۹۵	عثمان بن مظعون
۷۹۵	آن دسته از یاران پیامبر که اسلامشان متأخر است
۷۹۶	جریر بن عبدالله بجلی
۷۹۶	عثمان بن عاص ثقفی
۷۹۶	عکاشة بن محصن اسدی
۷۹۶	مغیره بن شعبه
۷۹۷	عباس بن عبدالمطلب
۷۹۷	عبدالله بن عباس
۷۹۸	عمرو بن عاص ثقفی
۷۹۸	عبدالله بن عمرو بن عاص
۷۹۸	از آنها که در سال فتح مکه و پس از آن اسلام آوردند
۷۹۹	ابوسفیان
۷۹۹	آنها که دلهاشان گرد آورده شد

۷۹۹	و از آنها که در وفدها اسلام آوردند
۸۰۰	عدی بن حاتم طائی
۸۰۰	لبید بن ربیعہ عامری شاعر
۸۰۰	عمرو بن معدی کرب
۸۰۰	اشعث بن قیس
۸۰۰	قیس بن عاصم منقری
۸۰۱	عمرو بن حَمَق
۸۰۱	عبدالله بن عامر
۸۰۱	یعلی بن منیه
۸۰۱	اسلام سلمان فارسی
۸۰۳	اسلام ابوهریره
۸۰۴	در یادکرد انصار رضی الله عنهم اجمعین که اسلام آوردند
۸۰۴	سعد بن عباد
۸۰۵	سعد بن معاذ
۸۰۵	عباده بن صامت
۸۰۵	جابر بن عبدالله
	در یادکرد آن دسته از انصار که پس از آمدن پیامبر
۸۰۵	به مدینه اسلام آوردند
۸۰۶	أبی بن کعب انصاری
۸۰۶	ابوطلحہ انصاری
۸۰۶	انس بن مالک
۸۰۶	ابو ایوب انصاری
۸۰۷	عویم بن مالک
۸۰۷	معاذ بن جبل خزرجی
۸۰۷	عبدالله بن سلام
۸۰۸	حَسَّان بن ثابت انصاری
۸۰۸	سهل بن حنیف انصاری
۸۰۸	خوات بن جبیر
۸۰۹	محمد بن مسلمة انصاری

۸۱۱-(۸۱۳)

فصل نوزدهم: در مقالات اهل اسلام

۸۱۵	در یادکرد فرقه‌های شیعه
۸۱۵	اینک تفصیل و تفسیر این مراتب
۸۲۲	در یادکرد دسته‌های خوارج
۸۲۳	تفصیل این مذاهب و تفسیر آنها
۸۲۶	در یادکرد فرقه‌های مشبهه
۸۲۶	تفصیل این مذاهب
۸۲۷	در یادکرد فرقه‌های معتزله
۸۲۹	در یادکرد فرقه‌های مُرَجئه
۸۳۰	در یادکرد فرقه‌های مجبّره و متجوره
۸۳۱	در یادکرد فرقه‌های صوفیه
۸۳۲	در یادکرد فرقه‌های اصحاب حدیث

فصل بیستم: در مدّت خلافت صحابه و حوادث و فتوحی که در این

دوره روی داد تا روزگار بنی امیه (۸۳۷)-۸۳۵

۸۳۷	خلافت ابوبکر
۸۳۷	سرّیه أسامة بن زید
۸۳۸	داستان رده
۸۳۹	داستان اسود بن کعب عنسی کذاب
۸۴۰	داستان رده اشعث بن قیس کندی در حضرموت
۸۴۱	داستان رفتن ابوبکر برای جنگ با اهل رده
۸۴۱	داستان طلیحه بن خویلد اسدی
۸۴۳	داستان کشته شدن مالک بن نویره یربوعی
۸۴۳	داستان مسیلمة بن حبیب کذاب
۸۴۵	داستان رحال بن عنفوة
۸۴۶	داستان سجاح که کنیه اش امّ صادر بود
۸۴۷	در یادکرد فتوحی که به روزگار ابوبکر روی داد
۸۴۸	یادکرد برگزیدن عمر بن خطاب به جانشینی
۸۴۸	خلافت عمر
۸۴۹	جنگ پُل
۸۵۰	جنگ قادسیه
۸۵۴	فتح مداین

۸۵۵	جنگ جلولا
۸۵۵	فتح ششتر و بیرون آمدن هرمزان
۸۵۶	یادکرد فتح القوتح در نهاوند
	در یادکرد بخشهایی از فارس که به روزگار عمر بن -
۸۵۸	خطاب گشوده شد
۸۵۸	یادکرد آنچه از شام به روزگار عمر گشوده شد
۸۵۹	جنگ یرموک
۸۵۹	فتح بیت المقدس
۸۶۰	طاعون عمواس
۸۶۰	سال رماده
۸۶۱	فتح شوش
۸۶۲	داستان کشته شدن عمر
۸۶۳	داستان شورا و مرگ عمر
۸۶۴	داستان بیعت عثمان
۸۶۶	خلافت عثمان بن عفان
۸۶۷	کشته شدن یزدگرد
۸۶۹	یادکرد محاصره شدن عثمان
۸۷۴	داستان بیعت با علی بن ابی طالب رضوان الله علیه
۸۷۶	یادکرد جنگ جمل
۸۷۹	داستان صفین
۸۸۲	بیرون آمدن خوارج بر علی
	خلافت علی بن ابی طالب که خدای از او خشنود باد و
۸۸۵	خشنود گرداندش
۸۸۶	یادکرد حکمین
۸۸۸	کشته شدن علی
۸۹۱	خلافت حسن بن علی
	در فرمانروایی بنی امیه تا آخر روزگار ایشان
	به اختصار و ماجرای فتنه ابن الزبیر و مختار بن
۸۹۵-(۸۹۷)	ابی عبید
۸۹۷	ولایت معاویه بن ابی سفیان

فصل بیست و یکم:

۸۹۷	داستان زیاد بن ابیه
۸۹۸	داستان مرگ مغیره بن شعبه
۸۹۸	مرگ عمر و بن عاص
۹۰۰	وفات حسن بن علی رضی الله عنهما
۹۰۱	یادکرد گرفتن بیعت برای یزید بن معاویه
۹۰۲	بیعت یزید بن معاویه که نفرین خدا بر او باد!
۹۰۳	کشته شدن ابو عبد الله حسین بن علی
۹۰۵	داستان عبد الله بن زبیر بن عوام
۹۰۶	داستان جنگ حرّه
۹۰۷	مرگ یزید بن معاویه
۹۰۸	ولایت معاویه بن یزید بن معاویه
۹۰۹	در یادکرد آشوب ابن زبیر
۹۱۰	یادکرد مروان بن حکم و بیعت کردن مردم شام با او
۹۱۰	خبر مرگ مروان بن حکم
۹۱۱	یادکرد آنچه میان مختار و ابن زبیر گذشت
۹۱۴	کشته شدن ابن زبیر
۹۱۵	ولایت عبد الملك بن مروان
۹۱۵	خبر حجاج بن یوسف
۹۱۶	شمایل حجاج و نژاد و پیشه او
۹۱۷	آمدن حجاج به عراق و داستان او تا هنگام مرگش
۹۲۱	خبر عبد الرحمن بن اشعث
۹۲۱	شورش زنگیان در بصره
۹۲۳	یادکرد کشته شدن سعید بن جبیر
۹۲۳	مرگ حجاج
۹۲۵	ولایت سلیمان بن عبد الملك بن مروان
۹۲۵	فتح گرگان و طبرستان
۹۲۶	جنگ مسلمة بن عبد الملك با صائفة
۹۲۷	ولایت عمر بن عبد العزیز
۹۲۹	ولایت یزید بن عبد الملك بن مروان
۹۳۰	ولایت هشام بن عبد الملك
۹۳۰	کشته شدن زید بن علی بن حسین
۹۳۱	ولایت ولید بن یزید بن عبد الملك

- ۹۳۲ کشته شدن یحیی بن زید بن علی بن حسین
 ۹۳۳ ولایت یزید بن ولید بن عبدالملک
 ولایت ابراهیم بن ولید بن عبدالملک و حکومت
 عبدالعزیز بن حجاج بن عبدالملک
 ۹۳۳
 ۹۳۴ ولایت مروان بن محمد بن مروان بن حکم

فصل بیست و دوم: در وصف بنی هاشم و شماره خلفای بنی عباس از سال ۱۱۲ تا حدود عصر مؤلف (۹۳۷-۹۳۵)

- ۹۳۷ یادکرد آغاز کار ایشان
 ۹۴۱ آغاز شورش ابومسلم
 ۹۴۵ آغاز خلافت بنی العباس
 ۹۴۸ شورش سفیانی بر ابوالعباس
 ۹۴۹ خبر شورش عبدالله بن علی، بر ابوجعفر
 ۹۵۱ کشته شدن ابومسلم
 ۹۵۳ شورش سنفاذ مجوسی
 ۹۵۴ مرگ ابو داود خالد بن ابراهیم
 ۹۵۴ شورش رَوندیان
 ۹۵۴ شورش محمد و ابراهیم از فرزندان حسین بر ابوجعفر
 ۹۵۶ شورش ابراهیم بن عبدالله در بصره
 ۹۵۶ شورش استادسیس در خراسان
 ۹۵۶ کشته شدن عمر بن حفص بن ابی صفره در افریقیه
 ۹۵۷ در یاد کرد خلفای بنی عباس
 ۹۵۸ بیعت با ابوجعفر منصور
 ۹۶۰ داستان ابومسلم صاحب دعوت
 ۹۶۲ خلافت مهدی
 ۹۶۴ خلافت هادی
 ۹۶۶ خلافت هارون الرشید
 ۹۶۷ داستان برمکیان
 ۹۷۰ محمد امین
 ۹۷۲ خلافت مأمون
 ۹۷۴ ابواسحاق معتصم

- ۹۷۴ داستان بابک خرمی
 ۹۷۷ الواثق
 ۹۷۸ المتوکل
 ۹۸۰ المنتصر
 ۹۸۰ المعتز
 ۹۸۰ المهتدی
 ۹۸۱ المعتمد
 ۹۸۲ المعتضد
 ۹۸۲ المكتفی
 ۹۸۲ المقتدر
 ۹۸۲ القاھر
 ۹۸۲ الراضی
 ۹۸۳ المتقی
 ۹۸۳ المستکفی
 ۹۸۳ المطیع

فهرست راهنما

- ۹۸۵
 ۹۸۷ فهرست اعلام
 ۱۰۶۵ فرهنگواره
 ۱۱۲۳ مشخصات مراجع مقدمه و تعلیقات

درباره مؤلف

نام مؤلف در داخل کتاب نیامده است و به همین دلیل در آغاز تصور شده بود که این کتاب از تالیفات ابوزید بلخی (۲۳۵-۳۲۲) حکیم برجسته قرن سوم و آغاز قرن چهارم است و کلمان هوار (Clement Huart) فرانسوی که در سالهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۱ مجلدات اول و دوم کتاب را نشر داد، آن را به ابوزید بلخی نسبت داد و در سال ۱۹۰۳ که جلد سوم را منتشر کرد، یادآور شد که کتاب تألیف ابوزید بلخی نیست و منسوب به اوست و مؤلف شخص دیگری است به نام مطهر بن طاهر مقدسی. سابقه انتساب کتاب به ابوزید بلخی امری است کهن و در میان قدما نیز کسانی این کتاب را به ابوزید بلخی نسبت داده‌اند، از جمله صاحب کشف الظنون^۱، در قرن یازدهم، تصریح دارد به اینکه کتاب تألیف ابوزید احمد بن سهل بلخی متوفی ۳۴۰ است و پیشتر از حاج خلیفه، در قرن هشتم، سراج‌الدین ابوحفص عمر بن الوردی (۶۸۹-۷۴۹) مؤلف کتاب خریده العجایب و فریده الغرایب^۲ در

* کتاب البده والتاریخ، لابی‌زید احمد بن سهل البلخی، قد اعتنى بشره وترجمته من العربية الى الفرنسية الفقیه المذنب کلمان هوار قصل الدولة الفرنسية وکاتب السیر و مترجم الحكومة المشار اليها ومعلم فى مدرسة الالسنه الشریقة فى باريز، باريز ۱۸۹۹-۱۹۰۱.

(۱) کشف الظنون، ج ۱، ص ۲۲۷.

(۲) سال تولد ابوزید را کاتب چلبی ۳۴۰ (اربعین و ثلاثمائة) ثبت کرده و اشتباه است، همانجا.

(۳) خریده العجایب و فریده الغرایب، ص ۲۴۹.

فصلی که درباب آغاز و انجام جهان پرداخته می‌گوید: «اینک این بخشی است از کتاب البدء ابوزید بلخی» و عین عبارات کتاب البدء والتاریخ را نقل می‌کند و در آغاز هر بند نیز عبارت: «قال البلخی رحمه الله» را نیز تکرار می‌کند و نشان می‌دهد که مؤلف، خود، چنین نسبتی را پذیرفته بوده است و از خطای کاتب نیست.

اما با تصریحی که مؤلف کتاب البدء والتاریخ، در مقدمه خویش دارد و می‌گوید: «تا اکنون که سال بر سیصد و پنجاه و پنج است» جای تردیدی باقی نمی‌ماند که کتاب نمی‌تواند تألیف ابوزید بلخی متوفی به سال ۳۲۲ باشد، به‌ویژه که در فهرست تألیفات ابوزید بلخی، که ندیم صاحب الفهرست^۱ در قرن چهارم ثبت کرده است، نامی از چنین کتابی نیامده است.

گویا علت این انتساب، که قدیم‌ترین مورد از قرن هشتم و از کتاب خریدة العجایب ابن الوردی آغاز می‌شود، نسخه‌ای است از این کتاب که در کتابخانه صدر اعظم داماد ابراهیم پاشا موجود است و در ۶۶۲ به خط خلیل بن الحسین الکردی الولا شجردی کتابت شده است. در آن نسخه این کتاب به ابوزید بلخی نسبت داده شده است و همان است که اساس طبع پاریس کتاب توسط کلمان هوار بوده است. از طریق همان نسخه، این انتساب به کتاب کشف الظنون و خریدة العجایب راه یافته است.

در باب اینکه چرا در نسخه مورخ ۶۲۲ نام ابوزید بلخی به‌عنوان مؤلف کتاب آمده است، نگارنده این سطور حدسی دارد که یادآوری آن بی‌سودی نمی‌تواند باشد. تصور نگارنده بر این است که چون یکی از تألیفات ابوزید بلخی به‌نام کتاب البدء والمآل بوده است^۲، کاتب یا شخص دیگری میان کتاب البدء والمآل با کتاب البدء والتاریخ خلط کرده است و شاید هم به‌صورت اختصاری «کتاب البدء» را ملاک قرار داده‌اند.

کلمان هوار، پس از نشر مجلدات اول و دوم، یادآور شد که به‌هنگام مطالعه کتاب غرر اخبار ملوک الفرس تعالی که زوتبرگ آن‌را نشر داده بود^۳ متوجه شده است که این کتاب تألیف ابوزید بلخی نیست بلکه از تألیفات مطهر بن طاهر مقدسی است.

(۱) الفهرست، چاپ تجدد، ص ۱۵۳.

(۲) در فهرستی که ندیم در الفهرست، ص ۱۵۳، و یاقوت در ارشاد الاریب (معجم الادب)، ج ۳، ص ۶۵، از تألیفات ابوزید بلخی آورده‌اند کتاب البدء والمآل وجود ندارد، اما در کتاب سُم الوصول (ج ۱، ص ۸۶، نسخه خطی) ضمن ترجمه ابوزید بلخی، این کتاب را به‌نام او نقل کرده است. سُم الوصول یکی از تألیفات حاج خلیفه صاحب کشف الظنون است و نام کامل آن «سُم الوصول إلى طبقات الفحول» است، بنا به روایت اسماعیل پاشا بغدادی، در ایضاح المکتون، ج ۲، ص ۲۴. سرچشمه اطلاع ما در باب سُم الوصول، حاشیه مصحح کتاب معجم الادب (ج ۳، ص ۶۵) است.

(۳) تاریخ غرر السیر، المعروف بکتاب غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم، لابی منصور التعالی، پاریس ۱۹۰۰، ص ۵۰۱.

در مباحث آینده نشان داده خواهد شد که در ثبت بسیاری از قدمای قرن پنجم و ششم و هفتم نیز، این کتاب به‌نام مطهر بن طاهر و به‌عنوان تاریخ مقدسی شهرت داشته است و مطالب بسیاری از آن به‌وسیله نویسندگان فارسی و عربی دوره‌های بعد نقل شده است.

* مؤلف کیست؟

تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم که کلمان هوار با پیدا کردن نسخه‌ای از این کتاب در استانبول به نشر متن عربی و ترجمه فرانسوی آن پرداخت، این کتاب در میان اهل علم چندان شیوعی نداشته است و با همه اهمیت که دارد، کمتر مورد استناد اهل علم قرار گرفته است و چنانکه خواهیم دید، تعداد مؤلفینی که از این کتاب در تألیفات فارسی و عربی خویش به‌تصریح استفاده کرده‌اند، از عدد انگشتان دو دست شاید تجاوز نکند.

همان‌طور که قبلاً اشارت رفت، در نسخه اصلی کتاب که هوار به نشر آن پرداخت، این کتاب جزء تألیفات ابوزید بلخی حکیم و دانشمند بزرگ ایرانی قرن سوم و آغاز قرن چهارم معرفی شده بود و هوار مجلدات اول و دوم را با عنوان ذیل منتشر کرد:

[کتاب البدء والتاریخ، لابی‌زید احمد بن سهل البلخی، پاریس ۱۸۹۹-۱۹۰۱]

ولی از جلد سوم به‌بعد عنوان مؤلف را بدین‌گونه تغییر داد:

[کتاب البدء والتاریخ، للمطهر بن طاهر المقدسی، پاریس ۱۹۰۳-۱۹۱۹]

علت انتساب به ابوزید، چنانکه یاد کردیم، همان تصریحی بود که در نسخه کتابخانه داماد ابراهیم پاشا وجود داشت ولی قراین داخلی چنین نسبتی را نمی‌توانست تأیید کند، زیرا سال وفات ابوزید بلخی به‌تصریح همه مورخان ۳۲۲ هجری است و این کتاب به‌تصریح مؤلف در سال ۳۵۵ یعنی سی‌وسه سال بعد از وفات ابوزید تألیف شده است. علاوه بر این، مؤلفان قدیم که از این کتاب مطلب نقل کرده‌اند، همه، آن‌را به‌نام مقدسی ضبط کرده‌اند، از جمله تعالی در غرر اخبار ملوک الفرس یا غرر السیر که می‌گوید:

«وَذَكَرَ الْمُقَدَّسِيُّ فِي كِتَابِهِ الْبَدْءَ وَالتَّارِيخَ أَنَّهُ أَوَّلُ مَاظَهَرَ فِي الْأَرْضِ مِنْ أَمْرِ الزَّنْدَقَةِ، إِلَّا أَنَّ الْأَسْمَى كَانَتْ تَخْتَلِفُ عَلَيْهَا إِلَى أَنْ سُمِّيَتْ الْيَوْمَ الْبَابِطِيَّةَ»^۱ و این، عیناً همان عبارتی است که مؤلف ما در شرح پادشاهی شاپور بن اردشیر آورده است و همچنین در بحث از ادیان هند می‌گوید: «ومن ذَكَرَ الْهِنْدَ وَادْيَانَهَا وَسُنَّتَهَا وَرُسُومَهَا فَكَانَتْ قَدْ ذَكَرَ مُلُوكَهَا لِأَنَّ النَّاسَ عَلَى دِينِ الْمَلِكِ لَا سِيَّمَا الْهِنْدِ وَإِنَّهُمْ يَتَّبِعُونَ الْكُونَ فِي تَعْظِيمِ مُلُوكِهِمْ وَقَوْمٍ مِنْهُمْ يُعْبُدُونَهُمْ وَأَنَا كَاتِبٌ مِنْهَا مِنْ نَقْلَتِهِ مِنْ كِتَابِ الْبِدْوَى

(۱) همان‌جا، ۵۰۱.

والتاریخ للمطهر بن طاهر المقدسی المقیم کأن بیست»^۱، یعنی: «و هر کس به یادکرد هند و ادیان و سنتها و رسوم ایشان پرداخته است چنان است که گویی به یادکرد شهر یارین ایشان پرداخته است، زیرا که مردمان بر آیین شاهان خویش اند به ویژه هندوان و ایشان در گرامیداشت شاهان خویش، تا پای جان، آماده اند و گروهی از ایشان به پرستش پادشاهان می پردازند و من از آن میان، آنچه را که از کتاب «البدوی والتاریخ» تألیف مطهر بن طاهر مقدسی - که مقیم بُست بوده است - نقل کرده ام در اینجا می نویسم» و بعد به نقل عین عبارات مطهر بن طاهر در جلد چهارم صفحات ۱۲-۹ می پردازد. و نیز صاحب بیان لادیان، ابوالمعالی رازی، می گوید: «و در تاریخ مقدسی آورده است که در فارس آتشگاهی است که آن را قدیم تر دارند و در آنجا کتابی است که زردشت بیرون آورده است.»^۲ که این نیز مطلبی است که مؤلف ما در فصل دوم^۳ از مشاهدات خویش در آتشکده ای در جور (فیر و زآباد فارس) نقل کرده است. و نیز قاضی منهج سراج جوزجانی که در طبقات ناصری، به کرات، از این کتاب نقل می کند از آن به عنوان «تاریخ مقدسی» یا «کتاب بدو و تاریخ» یاد می کند.^۴ همچنین فخرالدین داود بناکتی، از مورخان ماوراءالنهری قرن هفتم و هشتم، در کتاب روضة اولی الالیاب، که به نام تاریخ بناکتی منتشر شده است چندین جا از این کتاب نقل می کند و همه جا به عنوان «مقدسی گوید»^۵ و «مقدسی در تاریخ آورده است»^۶.

نام و نشان مؤلف

نام او را مطهر بن طاهر^۷ و مطهر بن مطهر^۸ ثبت کرده اند و کتبه او بنا بر ضبط بعضی از نسخه های طبقات ناصری^۹، ابونصر است، پس بدین گونه، تا سندی که این نکات را رد کند به دست

- ۱) از استاد محمد فضائی که منقولات کتاب البده در نسخه خطی غررالسیر را در اختیار ما قرار دادند، سپاسگزاری می شود. و نیز مراجعه شود به یادداشت هوار در مقدمه چاپ پاریس و یادداشت های قزوینی، ج ۱۰، ص ۳۲.
- ۲) بیان لادیان، ابوالمعالی محمد بن الحسین العلوی، به کوشش هاشم رضی، ص ۶.
- ۳) البده، ج ۱، ص ۶۳-۶۲.
- ۴) طبقات ناصری، قاضی منهج سراج جوزجانی، به کوشش عبدالحی حبیبی.
- ۵) تاریخ بناکتی، به کوشش دکتر جعفر شعار، ص ۱۵۰.
- ۶) همان جا، ص ۵۲ و ۱۶۶.
- ۷) تاریخ التراث العربی، ۱ / (۲) / ۱۸۷.
- ۸) معجم المطبوعات، ۲۴۱/۱.
- ۹) طبقات ناصری، ج ۱، ص ۱۲.

نیامده، می توان گفت او ابونصر مطهر بن طاهر مقدسی است.

سال تولد

جز آنچه از خلال کتاب او به دست می آید، در هیچ یک از کتب رجال و تاریخ و ادب، کوچکترین اطلاعی درباره زندگینامه این مؤلف نمی توان یافت. آنچه مسلم است این است که وی در سال ۳۵۵ در نواحی شرقی ایران، و احتمالاً بُست سیستان^۱، این کتاب را تألیف کرده است. سال تولد و وفات او، به هیچ روی، دانسته نیست و احتمالاً چندسالی پس از تألیف این کتاب زنده بوده است، به دلیل اینکه در خلال این کتاب، بارها از قصید تألیف کتابهایی دیگر سخن می گوید و نشان می دهد که در وی نشاط کار و تألیف هنوز باقی بوده است. قدیمترین تاریخی که از زندگی او در دست است اشارتی است که به دیدار خود با احمد بن محمد بن حجاج معروف به سجزی در تاریخ ۳۲۵ هجری در سیرجان داشته است و از آنجا که در طرابلس با خیمه بن سلیمان طرابلسی (متولد ۲۵۵ و متوفی ۳۴۳) دیدار داشته است و از او سماع حدیث کرده است، باید سال تولد او در اوایل قرن چهارم یا اواخر قرن سوم باشد، زیرا برای سماع حدیث، آن هم در شهری دیگر جز زادگاه مؤلف، او باید در حدود بیست سالگی بوده باشد و اگر چنین محاسبه ای را بپذیریم، نتیجه آن خواهد بود که وی در اوایل قرن چهارم، حدود سیصد هجری، یا کمی قبل از آن متولد شده است.

محل تولد و نیاکان او

از اشارات او و نیز از تصریح ثعالبی در غررالسیر دانسته می شود که وی در بُست مقیم بوده و شاید هم متولد همان جا بوده است. نام پدرش طاهر است و بعضی هم مطهر^۲ نوشته اند و نسبت مقدسی او، نشان می دهد که او، یا از مردم ناحیه بیت المقدس بوده که به خراسان کوچ کرده اند یا اقامتی طولانی در آن حوالی داشته است که نسبت «مقدسی» را بر او توجیه کند. آنچه مسلم است این است که وی یک چند در بیت المقدس و آن حوالی زیسته است و از مشاهدات خویش در آن حدود سخن می گوید و سماع حدیث وی از خیمه بن سلیمان طرابلسی هم دلیلی است بر حضور او در آن

- ۱) هوار در مقدمه خویش و یوسف الیان سرکیس در معجم المطبوعات العربیة والمغرب، ج ۱، ص ۲۴۲، و کراچکوفسکی در تاریخ الادب الجغرافی العربی، ص ۲۲۴.
- ۲) معجم المطبوعات العربیة والمغرب، ج ۱، ص ۲۴۲. نیز فؤاد سزگین در تاریخ التراث العربی المجلد الاول، الجزء الثاني، ص ۱۸۷. و گویا تنها مستند ایشان سخن هوار است در مقدمه کتاب البده.

نواحی.

یک تن به نام طاهر قدسی از مشایخ شام، که در ضمیمه تاریخ نیشابور نام او آمده است و در رده دانشمندان حدود ۳۰۰ هجری است، و احتمالاً در خراسان هم بوده است. آیا این شخص پدر مؤلف این کتاب می‌تواند باشد؟ این پرسشی است که طرح کردن آن زیانی ندارد.^۱

* تحصیلات و آموخته‌های او

چنانکه از مطاوی کتاب او دانسته می‌شود، وی بر مجموعه دانشهای عصر خویش، به ویژه منطق و کلام و فلسفه و نجوم و ادب عرب و فقه و تفسیر و حدیث و تاریخ و جغرافیا، احاطه‌ای کامل دارد و مردی است «دایرةالمعارفی» و در بعضی از رشته‌ها تسلطی چشمگیر دارد. وی چنانکه خود تصریح می‌کند و از خلال اشارات غیرمستقیم او نیز دانسته می‌شود، چندین زبان می‌دانسته است. گذشته از زبان عربی که در آن مردی ادیب و فرهیخته است، به زبان فارسی دری نیز آشنایی داشته و شعرها و عباراتی فارسی در خلال کتاب خویش، گاه به تناسب، نقل می‌کند. زبان عبری را به خوبی می‌دانسته و عباراتی از انجیل و نورات را به خط عبری در خلال کتاب خویش نقل می‌کند.^۲ از مقایسه‌ای که میان زبان سریانی و عبرانی می‌کند، اطلاع او را از این زبان نیز می‌توانیم دریابیم.^۳

* استادان و مشایخ او

از خلال کتاب و تصریحات مؤلف می‌توان دریافت که او با جمع کثیری از اهل علم و دانشمندان حدیث دیدار داشته و از عده‌ای از آنها سماع حدیث کرده است. از طریق همین اشارات تاحذی به حوزه جغرافیایی سفرهای او و نیز زمان این سفرها می‌توان پی برد. گرچه تحدید هویت بعضی از این مشایخ چندان آسان نیست، ولی در مجال اندکی که بود، هویت چندتن از ایشان را خوشبختانه به دست آوردیم و از این رهگذر تاحدی زمان دیدار او را با ایشان می‌توان محاسبه کرد.

(۱) طبقات الصوفیة سلمی، ۲۷۵ و تاریخ نیشابور خلیفه، ۷۲.

(۲) البده، ج ۵، ص ۳۰-۳۲.

(۳) همانجا، ج ۱، ص ۶۳.

(۱) ابوالعباس سامری

مؤلف با ابوالعباس سامری، به تصریح خودش دیدار داشته است و می‌گوید: در مر و این شعر را از برای ابوالعباس سامری قرائت کردم و او معتقد بود که خدای تعالی مؤمن را مؤمن و کافر را کافر آفریده است. ترجمه شعری که مؤلف خطاب به او قرائت کرده است، این است:

بر مردِ جبری که به سرنوشت بدراضی است پس گردنی بزن چون گوید که

چرا می‌زنی، بگو: در سرنوشت چنین بوده است.^۱

و او در پاسخ مؤلف این شعر را خوانده است:

آری پروردگار ما جبار است و جبر کار اوست

و آفریده مجبور، در حشر، با او دیدار خواهد کرد.

و این ابوالعباس سامری به گفته سمعانی در انساب^۲ همان ابوالعباس محمد بن احمد بن هارون دقاق سامری است از مردم سامراء که از محمد بن عبدالله المخرمی سماع حدیث کرده است.

(۲) احمد بن محمد بن حجاج سجزی

یکی دیگر از مشایخ حدیث مؤلف احمد بن محمد بن حجاج معروف به سجزی است که در شیرجان با مؤلف دیدار داشته است و این دیدار در سال ۳۲۵ بوده است: «وَقَدْ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَجَّاجِ الْمَعْرُوفِ بِالسَّجْزِيِّ بِالشَّيْرَجَانِ سَنَةَ خَمْسٍ وَعِشْرِينَ وَثَلَاثِمِائَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ رَاشِدِ الْأَصْفَهَانِيِّ، حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ.»^۳ و بدین گونه زنجیره مشایخ این سجزی را نیز می‌توان باز شناخت.

(۳) خثیمه بن سلیمان طرابلسی (۲۵۵-۳۴۳)

یکی از کسانی که مؤلف در طرابلس با او دیدار داشته و از وی سماع حدیث کرده است خثیمه بن سلیمان طرابلسی است.^۴ این دیدار باید قبل از ۳۴۳ باشد، زیرا در این تاریخ خثیمه درگذشته است. ابن حجر درباره این خثیمه می‌گوید: «عبدالعزیز کتانی گفته است که وی مردی موثق بوده است و از اهل عبادت، جز اینکه وی متهم به تشیع بوده است.» ابن حجر عمر او را ۱۰۶ سال نقل کرده است و می‌گوید: از تصنیفات اوست کتاب «فضائل الصحابه». گویا به دلیل همین کتاب هم

(۱) همانجا، ج ۵، ص ۱۴۷.

(۲) الانساب، سمعانی، چاپ عکسی، ۲۸۷، و چاپ حیدرآباد، ج ۷، ص ۲۹.

(۳) البده، ج ۲، ص ۱۸۱.

(۴) همانجا، ج ۲، ص ۱۰۵.

او را به تشیع منتسب کرده‌اند. ابن حجر می‌گوید: «وی در شام مسند عصر خویش بوده است.»^۱

(۴) عبدالرحمن بن احمد مروزی

یکی از کسانی که مؤلف از او در مرو سماع حدیث کرده است شخصی است به نام عبدالرحمن بن احمد مروزی^۲ یا عبدالرحیم بن احمد^۳ که متأسفانه هویت تاریخی او را نتوانستیم تحدید کنیم. آنچه مسلم است این است که وی از عباس سراج و از قتیبه روایت می‌کرده است.

(۵) حسن بن هشام

یکی دیگر از مشایخ حدیث او حسن بن هشام است که او از ابراهیم بن عبدالله العسبی و او از وکیع روایت می‌کند.^۴

(۶) حاتم بن سندی

در تکریت مؤلف از حاتم بن السندی روایت حدیث کرده است و او از احمد بن منصور رمادی و او از عبدالرزاق^۵ و او از معمر.

(۷) محمد بن سهل

در اسوار (ظ: اسوان) از محمد بن سهل روایت حدیث کرده است و او از ابوبکر بن زیان^۶.

(۸) ابوجعفر رازی

یکی از مشایخ حدیث مؤلف ما ابوجعفر رازی است^۷ که ظاهراً همان ابوجعفر محمد بن احمد بن سعید معروف به ابوجعفر رازی است که تفصیل احوال او را ابن حجر در *لسان‌المیزان* نقل کرده است.^۸ این ابوجعفر رازی متولد ۲۶۴ و متوفی ۳۴۴ است و عمری دراز حدود ۹۸ سال داشته است

(۱) *لسان‌المیزان*، ابن حجر، ج ۲، ص ۱۲-۴۱۱ و نیز *تذکره‌الحفاظ*، ذهبی، ص ۶۵۸-۸۶۰.

(۲) *البدء*، ج ۱، ص ۱۴۷.

(۳) *همان‌جا*، ج ۲، ص ۱۰۲.

(۴) *همان‌جا*، ج ۱، ص ۱۴۶.

(۵) *همان‌جا*، ج ۱، ص ۱۴۸.

(۶) *همان‌جا*، ج ۱، ص ۱۴۷.

(۷) *همان‌جا*، ج ۲، ص ۱۵۶.

(۸) *لسان‌المیزان*، ج ۵، ص ۳۹ و ۴۰ و ۵۱.

و ابن حجر او را جرح کرده است و می‌گوید: خبری نقل کرده است که آفت اوست. حاکم نیشابوری او را در تاریخ خویش یاد کرده است و گفته است که در ۲۸۵ به نیشابور آمد و از جمعی از علما سماع حدیث کرد و هم در آن شهر وفات کرد.

(۹) محمد بن خالویه

یکی از کسانی که مؤلف با ایشان انس و الفت و دیدار داشته است و از وی سماع حدیث کرده است محمد بن خالویه است^۱ که در شوش او را دیده است و این محمد بن خالویه ظاهراً همان ابوجعفر محمد بن احمد بن عمر بن ابی‌بکر المعروف بخالویه است که به گفته ابن حجر^۲ از علمای حنابله بوده و در تجسیم غلو بسیار داشته است. اتفاقاً مطلبی هم که مؤلف ما از او نقل می‌کند در همین باره است. می‌گوید: از محمد بن خالویه شنیدم که گفت از احمد بن حنبل شنیدم که از پدرش روایت می‌کرد که «هر که بگوید قرآن مخلوق است کافر شده است».^۳

(۱۰) هارون بن کامل

یکی دیگر از مشایخ او، هارون بن کامل است که در مصر با او دیدار داشته است.^۴

(۱۱) ابونصر حرشی

یکی از کسانی که مؤلف در فرجوط مصر (قریه‌ای در صعيد مصر) با او دیدار داشته است و از وی سماع حدیث کرده، ابونصر حرشی است و مؤلف در حق او می‌گوید: کتب اوایل را بسیار می‌خواند و از کتاب دانیال چنین نقل کرد که...^۵

(۱۲) احمد بن مالک

یکی دیگر از مشایخ حدیث او احمد بن مالک است که از قتیبه از اسحاق بن راهویه نقل حدیث می‌کند.^۶

(۱) *البدء*، ج ۵، ص ۱۴۹.

(۲) *لسان‌المیزان*، ابن حجر، ج ۵، ص ۳۹.

(۳) *البدء*، ج ۵، ص ۱۴۹. در غالب متون کلامی به‌عنوان حدیث از پیامبر نقل کرده‌اند، از جمله *شرح‌العقاید النسفیة*، از تفتازانی، ص ۹۲.

(۴) *البدء*، ج ۵، ص ۱۹۹.

(۵) *همان‌جا*، ج ۲، ص ۱۵۶.

(۶) *همان‌جا*، ج ۵، ص ۷۱.

(۱۳) ابوعبدالله اندلسی

دیگر ابوعبدالله اندلسی که از وی مطلبی نقل می‌کند که در مگه از وی شنیده است، درباب هجوم بعضی از اترک بر ناحیه‌ای در اندلس.^۱

(۱۴) ابوطالب احمیمی

یکی از کسانی که مؤلف او را دیده و چندین بار از او نقل مطلب کرده است، ابوطالب احمیمی است. ابوطالب احمیمی از صوفیان برجسته مصر در نیمه اول قرن چهارم است. یکی از این دیدارها مسلماً در احمیم مصر بوده است، زیرا مؤلف خود بدین نکته تصریح دارد. مطالبی که از او نقل می‌کند یکی درباره حسین بن منصور حلاج است^۲ و یکی درباره ولید که موصف را به تیر می‌زد.^۳ اطلاعات درباب این ابوطالب احمیمی در کتب تصوف بسیار نادر است. جامی به اختصار اشارتی به احوال او دارد.^۴

* سفرهای مؤلف

مؤلف بر طبق تصریحات خود، در سرزمینهای عالم اسلامی از خراسان و فارس و کرمان تا عراق و شام و مصر و بیت المقدس تا بلاد یونانیان و نواحی مرکزی و غرب ایران سفر کرده و در بسیاری از این شهرها از دیدارهای خود با دانشمندان آن اقالیم سخن گفته است.

(۱) در بست و سیستان

اگر او را متولد بست بدانیم، نخستین مشاهدات او از ناحیه سیستان است که در آنجا تصریح دارد که در اقلیم ما چنین و چنان مشاهده می‌شود. و این خود دلیلی است بر اینکه وی در آن ناحیت می‌زیسته است. در بحثی که از ویرانی و تحویل شهرها و آبادیها دارد، پس از نقل قولی از کتاب *القرانات* ابن عبدالله قسری می‌گوید: «ثُمَّ مَا نُشَاهِدُهُ فِي اِقْلِيمِنَا بِالْعِيَانِ قَبْلَ مَقَاوِةِ سَجِسْتَانَ وَمَافِيهَا مِنْ اَنْارِ البَيْبَانِ وَالْمُنَيْنِ وَالْقُرَى وَالِدَكَكَيْنِ وَرَسَاتِيْقِ الْاَسْوَاقِ.» یعنی: «سپس آنچه ما خود در اقلیم خویش به عیان می‌نگریم که قبل از بیابان سیستان آثار بناها و شهرها و قریه‌ها و دکانها و

(۱) همانجا، ج ۴، ص ۶۵.

(۲) همانجا، ج ۴، ص ۱۲۹.

(۳) همانجا، ج ۶، ص ۵۳.

(۴) *نفعات الالاس*، جامی، چاپ لاهور، ص ۶۱.

رستاقها و بازارهاست.^۱ و وقتی درباره کرویّت زمین بحث می‌کند می‌گوید: «طرفداران این عقیده بر آنند که اگر مثلاً در فوشنج (شهری به فاصله یکروز راه در مغرب هرات) نقبی در زمین زده شود، سر از سرزمین چین بیرون خواهد کرد.»^۲ انتخاب فوشنج احتمالاً به علت وجود مؤلف در آن شهر یا در آن نزدیکیها بوده است.

(۲) در مرو

مؤلف بنا به تصریح خودش یکچند در مرو زیسته است و در آنجا با چندتن از دانشمندان مفاوضات علمی داشته است، از جمله با ابوالعباس سامری^۳ و عبدالرحمن یا عبدالرحیم بن احمد مروزی که از آنان روایت نقل می‌کند.

(۳) در سیرجان

تنها موردی که مؤلف به تاریخ اقامت خود در شهری اشارت دارد، آنجاست که می‌گوید «در سال ۳۲۵ در «سیرجان» (سیرجان)^۴ از احمد بن محمد بن حجاج معروف به سجّزی چنین شنیدم» که نشان می‌دهد وی در این تاریخ در سیرجان بوده است.

(۴) در مهرجان قذق و ماسبدان

چندین مورد به دیدارهای خویش با پیروان آیین خرمذینی در ناحیت غرب ایران اشارت دارد و ضمن نقل قولهایی درباب اصول عقاید کلامی و اخلاقی ایشان، از آنان به لحاظ رفتار و رعایت نظافت

(۱) *البدء*، ج ۲، ص ۱۴۹. از همین تصریح او و نیز از عبارت ثعالی در *غرر السیر* می‌توان دانست که او اهل بست بوده است یا دست کم مقیم آنجا بوده است: «للمطهر بن طاهر المقدسی المقيم كان بيست» (غرر السیر، یادداشت آقای فضایی نیز یادداشتهای قزوینی، ج ۱۰، ص ۳۲ و نیز هوار در مقدمه). نکته قابل یادآوری عبارت «المقدسی المقيم كان بيست» است که در هر دو نسخه کتابخانه قسطنطنیه و نسخه موصّل، به همین شکل است و ظاهراً، به لحاظ ساختار نحوی، اندکی غیرطبیعی می‌نماید. پرسشی که مطرح می‌شود این است که ثعالی اطلاع درباره مقیم بست بودن او را از همین عبارت مؤلف استفاده کرده یا از سندی دیگر؟ به نظر می‌رسد که از همین عبارت مؤلف استنباط کرده است.

(۲) همانجا، ج ۲، ص ۴۰.

(۳) همانجا، ج ۵، ص ۱۴۷.

(۴) هر دو ضبط کلمه رواج داشته است: سیرجان و شیرجان و معمولاً با «ال» حرف تعریف. لسترنج می‌گوید: سیرجان، کرسی قدیم کرمان، در زمان ساسانیان، نیز شهر عمده آن ایالت بود. اگر چه امروز شهری به این نام وجود ندارد اما منطقه سیرجان هنوز قسمت باختری ایالت کرمان را تشکیل می‌دهد و کرسی آن سعیدآباد است، سرزمین‌های خلافت شرقی، ص ۳۲۲.

و پاکیزگی ستایش می‌کند. این دیدارها بیشتر در ناحیهٔ ماسبدان و مهرجان قنق (بخشی از ولایت لرستان) بوده است.^۱

۵) در خوزستان

مؤلف يك‌چند در خوزستان بوده است و در شوش با محمد بن خالویه دیدار داشته و از او سماع حدیث کرده است.^۲

۶) در فارس

در فارس، در ناحیهٔ جور (فیروزآباد) به دیدار آتشگاهی بسیار کهن رفته و در آنجا، موبد آتشگاه کتاب ابسطا (اوستا) را نزد مؤلف آورده و عباراتی را در حوزهٔ الاهیات آیین زردشتی بر او قرائت کرده و به زبان فارسی (دری) که مؤلف با آن آشنا بوده است، آن عبارات کهن را تفسیر کرده است.^۳

۷) در جندیسابور

هنگام سخن گفتن از مانی می‌گوید: «وَضَلَبَ بِيَابِ جُنْدِيسَابُورَ فَهُوَ الْيَوْمَ يُسَمَّى بِيَابِ مَانِي...»^۴ یعنی «او را بر دروازهٔ جندیسابور به‌دار آویختند و امروز به‌نام دروازهٔ مانی خوانده می‌شود.» از نوع تعبیر او چنین دانسته می‌شود که گویی آنجا را دیده است.

۸) در مکه

از خلال مطلبی که از شخصی به‌نام ابوعبدالله الاندلسی نقل می‌کند می‌توان دانست که او يك‌چند در مکه بوده است، زیرا می‌گوید: «وَسَمِعْتُ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ الْأَنْدَلُسِيَّ بِمَكَّةَ...»^۵

۹) در عراق

در ناحیهٔ عراق از بودن در «بصره» و «تکریت» و «بَلَد» یاد کرده است، از جمله می‌گوید: «در

(۱) البیه، ج ۳، ص ۱۲۲.

(۲) همانجا، ج ۵، ص ۱۴۹.

(۳) همانجا، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳، هوار بیت نار خُوز ثبت کرده و تردیدی نیست که باید جور باشد که همان گور است و نام قدیمی فیروزآباد است و آتشگاه کهن آنجا معروف بوده است.

(۴) همانجا، ج ۳، ص ۱۵۸.

(۵) همانجا، ج ۴، ص ۶۵.

مسجد جامع بصره از نهر بیندی شنیدم که این شعر را می‌خواند.»^۱ و سپس شعری در زمینهٔ توحید نقل می‌کند و باز می‌گوید: «مردی یهودی در بصره عبارت تورات را چنین تفسیر کرد که...»^۲ و در تکریت (در سی‌میلی شمال سامرا در جانب باختری دجله) از حاتم بن السندی سماع حدیث کرده است و نیز در بَلَد (شهرکی نزدیک موصل) از حسن بن هشام حدیث نقل کرده است.^۳

۱۰) در شام

در طرابلس شام با خیمهٔ بن سلیمان قرشی دیدار داشته و از وی سماع حدیث کرده است و این دیدار قبل از ۳۴۳ باید باشد. و هنگامی که از سرگذشت ویرانی و آبادی شهرها و اقالیم سخن می‌گوید به مشاهدات خویش در ناحیهٔ شام تا مرز کشور یونان تصریح می‌کند «کَمَا يُرَى فِي الْمَقَاوِزِ بَيْنَ الشَّامِ وَبِلَادِ الْيُونَانِيِّينَ مِنَ الْأَثَارِ الْعَادِيَةِ وَالْبُنْيَانِ الْخَرَابِ الْمَعْدُومِ فِيهِ النَّبَاتُ وَالْحَيَوَانُ وَالْمَاءُ»، یعنی «همان‌گونه که در بیابانهای میان شام و سرزمین یونانیان دیده می‌شود از آثار باستانی (عادی) و بناهای ویران که آب و گیاه و جانور در آن نابود شده است.»^۴

۱۱) در بیت اللحم

هنگامی که از محل تولد مسیح سخن می‌گوید، توضیح می‌دهد که ولادت او در بیت اللحم معروف است و مشهور و ما آنجا را دیده‌ایم و هر که بدان بلاد درآمده باشد، آنجا را دیده است.^۵

۱۲) در مصر

مؤلف، گویا، در مصر اقامتی طولانی داشته است و در آنجا در «مصر»^۶ و اخمیم و اسوان و فرجوط اقامت داشته و با عده‌ای از دانشمندان در این سرزمین دیدار داشته است.^۷ در فرجوط مصر با ابونصر حرشی دیدار داشته است.^۸

(۱) همانجا، ج ۱، ص ۷۷.

(۲) همانجا، ج ۲، ص ۸۱.

(۳) همانجا، ج ۱، ص ۱۴۶.

(۴) همانجا، ج ۲، ص ۱۴۹.

(۵) همانجا، ج ۳، ص ۱۲۱.

(۶) گویا منظور از مصر در کنار اخمیم و اسوان و فرجوط، همان فسطاط است.

(۷) البیه، ج ۶، ص ۵۳، ج ۵، ص ۱۹۹ و ج ۶، ص ۵۲.

(۸) همانجا، ج ۲، ص ۱۵۶، ج ۵، ص ۱۹۹، ج ۲، ص ۱۵۶ و ج ۱، ص ۱۴۷.